

Hemingway Press
1961
ISBN: 0-74-00-000-0
To have and have not
7676A
7676B

داشتن و نداشتن

ارنست همینگوی
مهدی غبرایی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

اشاره

اشاره ۹

بخش یک / هری مورگن. بهار ۱۱

بخش دو / هری مورگن. پاییز ۶۵

بخش سه / هری مورگن. زمستان ۸۵

اشاره

از میان رمان های ارنست همینگوی از دوران جوانی وداع با اسلحه، داشتن و نداشتن، پیرمرد و دریا، این ناقوس مرگ کیست؟ و خورشید همچنان می دمد را بیش از دیگر رمان ها و داستان های کوتاه اش شیفته وار دوست داشتم و دارم و اگر بگویم با هر کدامشان زندگی کرده ام، سخن به گزاف نگفته ام. (جایگاه رفیع جشن بیکران، با ترجمه ی فرهاد همچنان در قلبم محفوظ است، اما خاطره اش برمی گردد به شروع کار ترجمه و دوره ی میانسالی.) همراه با او برخی آثار جان استاین بک و بعدها فاکنرهم دوست داشتنی بودند، اما از اولی جز موش ها و آدم ها دیگر آن رنگ و جلای سابق را ندارد و فاکنرهم (با همه ی عظمتش) انگار از بالا به آدم نگاه می کند و دنیای او قدری با جانت فاصله می گیرد؛ اما با همینگوی انگار رفیقی. انگار دوست عزیز و در عین حال خشن و قلدری است که از دردها و زخم های روح و روانت گفته و می گوید و شرنگش نرم نرم در جانت ته نشین می شود. جزئی جدایی ناپذیر از تو می شود و گاهی یادت می آید که با چشم او به دنیا نگاه کنی؛ آن هم در این کنج دنیا. با هنری و کاترین از جنگ گریخته ام و در دریاچه های ایتالیا شنا کرده ام و شاهد عشقشان بوده ام و بر مرگ کاترین گریسته ام. با هری مورگن سلاح برداشته جنگیده ام و جان داده ام، با پیرمرد ماهی گرفته ام و خسته و دست خالی برگشته ام. با